## اخبار

حجت الاسلام زائری در جلسه سی ام نقد اندیشه:

### نگرانی‌ها از همسریابی در فضای مجازی ناشی از ضعف سواد رسانه‌ای است

مهمانان سی‌امین جلسه از سلسله نشست‌های نقد و اندیشه فضای مجازی را فرصتی برای آشنایی‌های قبل از ازدواج دانستند و به‌نوعی این فضا را تسهیل گر ازدواج خواندند اما بر این امر نیز تأکید کردند که این فضا تنها جزئی از یک کل محسوب می‌شود و برای موفقیت، باید سایر فرایندهای ازدواج در فضای حقیقی محقق شود. این جلسه با موضوع «همسریابی در فضای مجازی» برگزار شد و دلایل و آسیب های این موضوع حضور محمدرضا زائری، استاد حوزه و دانشگاه و فعال فضای مجازی، مرضیه ابراهیمی، عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و مدیر طرح پیمایش ملی خانواده و مهرنوش دارینی، روانشناس بالینی و مدرس دانشگاه بررسی شد.

**فضای مجازی باید مکمل فضای حقیقی باشد**

در ابتدای این جلسه زائری با تأکید بر اینکه اساساً نه در این موضوع بلکه در هر موضوع دیگری فضای مجازی زمانی که مکمل و یا کمک‌کننده به واقعیت‌های حقیقی باشد کاملاً قابل دفاع است گفت: آنجایی که فضای مجازی می‌آید به‌عنوان مکمل واقعیت‌های حقیقی ظهور و بروز پیدا می‌کند موفق است؛ اما آنجایی که به هر دلیل ازجمله فقدان و یا ضعف سواد رسانه‌ای فضای مجازی جایگزین فضای حقیقی می‌شود دچار مشکل می‌شویم.

وی افزود: لذا پیش‌فرض گفت‌وگوی ما این است که ما فضای مجازی را باید به رسمیت بشناسیم. باید به‌ضرورت و نیاز و حضور گسترده آن اذعان کنیم، اما این ملاحظه را هم داشته باشیم که فضای مجازی باید مکمل فضای حقیقی باشد. در این شرایط باید این فضا را به‌عنوان موضوعی که در متن جامعه وجود دارد پذیرفت و برای آن برنامه‌ریزی کرد و برای آن تدبیر و فکر کرد.

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه درباره ازدواج‌های فضای مجازی گفت: یک‌زمانی ما از آشنایی در فضای مجازی حرف می‌زنیم این موضوع کاملاً متفاوت است؛ یعنی از فرایند گسترده ازدواج یک‌بخشی از آن با استفاده از ظرفیت فضای مجازی محقق شده است؛ اما یک‌زمانی هست که می‌گوییم کل فرایند ازدواج در چارچوب فضایی اتفاق می‌افتد که می‌تواند همراه با ملاحظات و نگرانی‌هایی باشد.

وی افزود: البته این نگرانی خیلی ربطی به فضای سنتی و دینی ما هم ندارد. اتفاقاً این نگرانی به ضعف سواد رسانه‌ای مربوط است و لذا معتقدم هر جا سواد رسانه‌ای گسترده و بیشتری وجود داشته باشد ما مشکلمان کمتر می‌شود.

**راه‌حل فیلتر کردن نیست**

در ادامه ابراهیمی گفت: واقعیت این است که تغییر و تحولاتی که در جامعه رخ‌داده است بخش مهمی از آن ناشی از همین تغییر فضای فناورانه است و درواقع ضرورت دارد که برای ابزارهایی که باهدف تسهیل زندگی مردم به وجود آمده، فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی کرد؛ بنابراین نباید مسائل را سیاه‌وسفید دید و به‌طور قاطع حکم نداد که فضای مجازی باید باشد یا نباشد.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه ما برای بررسی فضای مجازی باید یک گروه هدفی داشته باشد تا در خصوص نگرانی‌های آن برنامه‌ریزی داشته باشیم گفت: این نقطه هدف می‌تواند جوانان باشند و بحث همسرگزینی در این فضا تنها یکی از نگرانی‌های ما درباره ارتباط جوانان با فضای مجازی است؛ اما آیا راهکار برای رفع نگرانی‌ها این است که فضای مجازی را حذف کنیم که پاسخ این است که این نگاه، نگاه کوتاه‌مدتی است و در ادامه با راه‌حل‌های همچون استفاده از فیلترشکن بی‌اثر می‌شود.

ابراهیمی افزود: بنابراین به‌جای پرداختن به موضوعات مرتبط با فضای مجازی با رویکردهای حذفی بهتر است این فضا را یک فرصت بدانیم و صدالبته این فرصت‌ها ممکن است تهدیدهایی را هم با خود به همراه داشته باشد.

**فضای مجازی تسهیل گر آشنایی‌های شده است**

در ادامه این جلسه دارینی بابیان اینکه اگر می‌خواهیم یک تعریفی داشته باشیم از ازدواج اینترنتی باید منظور خودمان را به‌طور دقیق مشخص کنیم گفت: اگر بخواهیم به‌صورت مشخص به موضوع نگاه کنیم، طی کردن فرایندهای آشنایی جزو ضرورت‌های ازدواج است چه به‌صورت سنتی و چه غیر سنتی و امروزه فضای مجازی یکی از فضاهایی است که تسهیل گر ارتباط بین افراد است و می‌تواند فرایند آشنایی را سرعت ببخشد.

وی افزود: اما فی‌نفسه خود پروسه شناخت جوانان فارغ از اینکه چگونه و در چه فضای به آشنایی می‌رسند در هر حالتی ممکن است، آسیب‌های خاص خود را به دنبال داشته باشد؛ اما آسیب فضای مجازی می‌تواند ناشی از اطلاعات نادرست همچون بزرگ‌نمایی و یا سفید نمایی باشد. این در حالی است که افراد پس از آشنایی‌های اینترنتی می‌توانند از طریق دیدارهای حضوری به معیارهای از ارزیابی برسند که اطلاعات داده‌شده قبلی را راستی آزمایی کنند.

در ادامه زائری گفت: قضاوت‌ها و داوری‌های ما درباره خیلی از موضوعات از ازدواج‌های دانشجویی تا ازدواج‌های مجازی عمدتاً ناظر بر نمونه‌هایی است که خودمان در اطراف خودمان دیده‌ایم؛ یعنی اینکه من اگر دو نمونه ازدواج مجازی دیده‌ام که ناموفق بوده حکم می‌دهم که در کل ازدواج مجازی تحت هر شرایطی محکوم به شکست است. منطقاً ما باید عالمانه به قضیه نگاه کنیم و بر اساس آمار و اطلاعات و مستندات علمی حرف بزنیم.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ازدواج به معنای واقعی و اصیل آن پایداری است. اگر در مقایسه علمی به این نتیجه رسیدم که نسبت پایداری ازدواج‌های مجازی کمتر از ازدواج‌های سنتی است آن‌وقت دیگر نمی‌توانم بر اساس تشخیص فردی خودمان از این نوع ازدواج‌ها دفاع کنیم اما آنچه مشخص است هنوز داده‌های دقیقی در این رابطه وجود ندارد.

**جوانان فضای مجازی را بر فضاهای سنتی ترجیح می‌دهند**

وی ادامه داد: اما آن چیزی که ما باید در این فضا بپذیریم این است که جوانان این فضا را به فضاهای سنتی ترجیح خواهند داد و اگر خانواده، رسانه، آموزش‌وپرورش و دانشگاه برای چاره‌اندیشی و فرهنگ‌سازی به این مسئله ورود کرد و به این ترجیح احترام گذاشت می‌توان امیدوار بود که می‌شود ازدواج‌های مجازی را در چارچوب و در غالب هنجارهای اجتماعی تنظیم کرد البته در غیر این صورت جوانان راه خود را طی می‌کنند و آن‌ها منتظر همراهی ما نمی‌مانند و درنهایت دست به انتخاب خود خواهند زد.

دارینی در ادامه در پاسخ به این سؤال که آیا فضای مجازی را بستری برای شناسایی می‌دانید یا تهدیدی که جامعه همواره نسبت به آن ابراز نگرانی می‌کند گفت: اساساً ما فضایی را بدون دستورالعمل آن در اختیار جامعه قرار داده‌ایم. برای اینکه بخواهیم فضای مجازی را تبدیل به بستری برای ازدواج کنیم در وهله اول نیاز داریم به افزایش آگاهی و بعد در اختیار گذاشتن دستورالعملی که مکرراً بر اساس نیاز روز و اتفاقات جامعه به‌روزرسانی شود.

وی افزود: اگر قرار است آشنایی صحیح را ترویج کنیم باید روی دو حوزه کار کرد. نخست آنکه فلسفه ازدواج برای جوانان بازتعریف شود و بعد فرهنگ آشنایی را به آن‌ها یاد بدهیم. همچنین ما باید در فضای مجازی و سایر فضاهایی که ارتباط تسهیل می‌شود به جوانان یاد بدهیم قبل از اینکه دست به انتخاب قطعی بزنند، چگونه عمل کنند و از این فضا چگونه به نفع خودشان استفاده کنند.

زائری در ادامه درباره اینکه آیا جوانان به هشدارها درباره ازدواج‌های مجازی اساساً توجه ای می‌کند گفت: ما یک نسلی داریم که اطلاعات و آگاهی‌اش افزایش پیداکرده است اما فهم و تحلیلش نه‌تنها افزایش پیدا نکرده بلکه چه‌بسا نسبت به نسل قبلی خود کاهش هم داشته است.

**لازم است بین نسل قبلی و جدید دیالوگ برقرار شود**

وی افزود: این نسل وسعت اطلاعات زیادی دارد و سبب شده تا شاید به‌نوعی دچار توهم شود که از نسل قبلی بهتر می‌فهمد و همین امر باعث شده آن اعتماد لازم به نسل قبلی را نداشته باشد؛ بنابراین تا زمانی که یک نوع دیالوگ برقرار نشود و این اعتماد ایجاد نشود که اگر حرفی می‌زنیم برای این نیست که خواسته خودمان را تحمل‌کنیم این نسل نمی‌تواند به توصیه‌های نسل قبلی خود اعتماد کند.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: درعین‌حال باید به این مسئله توجه کرد که نمی‌شود چیزی را به این نسل تحمیل کرد چراکه این نسل برای روزگار جدیدی خلق‌شده است. نکته اصلی این است که اگر بتوانیم دیالوگ مناسب را برقرار کنیم که قرار نیست من از نقطه عزیمت خودم با تو حرف بزنم آن‌وقت می‌توان امیدوار بود که به توصیه‌ها توجه کنند.

در ادامه ابراهیمی گفت: آن چیزی که به نظر من باید موردتوجه قرار گیرد این است که نسل جدید تغییراتی کرده و ادعاهای به حقی دارد و می‌گوید مثلاً در موضوع ازدواج من در کمترین زمان ممکن می‌توانم به داده‌های دست پیدا کنم که درگذشته نیازمند تحقیقات میدانی زیاد و گسترده‌ای از سوی خانواده بود؛ بنابراین غیر از موارد سو استفاده گرایانه فضای مجازی، این فضا امکانات قابل قبولی را فراهم می‌کند به‌شرط اینکه فرهنگ و آموزش لازم هم داده شود.

نمی‌توانیم فضای مجازی را از مردم بگیریم

در خاتمه این جلسه دارینی بابیان اینکه تا زمانی که داخل فضایی مجازی نباشیم متوجه فراوانی مسائل مختلف آن نمی‌شویم گفت: باید برای بسیاری از مسائل فضای مجازی دغدغه داشت و برای آن برنامه‌ریزی کرد و ارائه راهکارهای مناسب را متناسب باسلیقه نسل جدید ارائه کرد تا ما را طرد نکنند. درنهایت باید به این مسئله توجه کرد که ما نمی‌توانیم فضای مجازی را از مردم بگیرم فقط باید یاد بگیرم آن را مدیریت کنیم.

### نمایشگاه کتاب «امثال قرآن» برپا می‌شود

کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد در ادامه برگزاری نمایشگاه‌های موضوعی کتاب، به‌زودی نمایشگاه «امثال قرآن» را در محل این کتابخانه برپا می‌کند.این نمایشگاه برای گرامیداشت و تدبر در آیات قرآن کریم از روز چهارشنبه ۸ آبان تا دوشنبه ۲۰ آبان برپا می‌شود و هفتادوچهارمین نمایشگاه موضوعی دوهفتگی این کتابخانه عمومی محسوب می‌شود.

به‌این‌ترتیب، منابع و کتاب‌های این کتابخانه با موضوعاتی چون ویژگی‌های امثال قرآنی، انواع تمثیل در قصه‌های قرآن، آثار تربیتی امثال قرآن، تاثیر امثال قرآن بر ادبیات فارسی، حکمت امثال قرآن و ... در مدت یادشده در محل این‌کتابخانه واقع در خیابان دکتر شریعتی، پیش از خیابان قبا به نمایش درمی‌آیند.

---

فاطمیان‌پور: پرده عشاق قدم کوچکی در راه امام حسین(ع) است

# پیرغلامان حسینی در ارسباران تجلیل شدند

سرپرست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در ویژه‌برنامه «پرده عشاق» که با تجلیل از پیرغلامان و خادمان حسینی برگزار شد، گفت: اجرای این برنامه قدمی کوچکی در راه امام حسین(ع) است.

**به گزارش امتیاز**، آیین تجلیل از خادمان و پیرغلامان حسینی در برنامه «پرده عشاق» با حضور سید علیرضا فاطمیان‌پور سرپرست، علیرضا زندوکیلی معاون هنری و جمعی از مدیران سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، محمدرضا جعفری جلوه مدیر شبکه ۲ و خانواده مرحوم محسن کلاهدوز مدیر پخش این شبکه، چهارشنبه اول آبان در فرهنگ‌سرای ارسباران با مداحی حاج محسن طاهری و شعرخوانی احمد بابایی برگزار شد.

در ابتدای مراسم حجت‌الاسلام شیخ مصطفی کرمی گفت: «پیر غلام» همان تعبیری است که از امام صادق سوال شد که مگر اصحاب کهف جوان بودند؟ امام جواب می‌دهد خیر، می‌پرسند پس چرا در تعبیر قرآن می‌گوید این‌ها جوان بودند؟ حضرت فرمود: این جوان به لحاظ خلقیات و روحیات است .آن طراوت روانی است که احساسات حسینی را در همین موقوف هم با طراوت جوانی در این مقام نگه داشته است. این منصب مبارکتان باشد.

وی افزود: باید از همه عزیزانی که این حرکت فرخنده را که واقعا جای خالی آن احساس می‌شد، راه انداختند تشکر کرد. بسیار لذت بخش است که عزیزانی که یک عمر در این راه زحمت کشیده‌اند، به باد فراموشی سپرده نشده‌اند. این حرکت شاید بهترین و شیرین‌ترین حرکتی بوده که برای این عزیزان انجام شده است.

حجت‌الاسلام شیخ مصطفی کرمی در پایان گفت: پیر غلامی یعنی خاتمه بخیری. انسان وقتی مراحل مختلفی از عمر را پشت سر می‌گذارد وقتی به مرحله‌ای رسید که احتمال تغییر وجود ندارد، این نوید را دارد که آخر و عاقبت به خیر شده است.

**انتشار عاشورا یک رسالت بزرگ است**

در ادامه مراسم محمدرضا جعفری جلوه مدیر شبکه ۲ گفت: این ایام، ایام ادای احترام و ارادت به آن بزرگ انسانی است که خط سیر بشریت را به نقطه اعلا رساند. امام حسین(ع) مظهر رفیع‌ترین مقام عقل و عشق توامان بود. اگر او و انتخاب او نبود اثری از آیین محمدی، اثری از راه سعادت برای بشریت باقی نمی‌ماند و بشریت از رستگاری محروم بود. کسی که چنین انتخابی می‌کند مشخص است که در یک انتخاب عاقلانه قرار گرفته است. امام حسین(ع) در عاشورا چنین فرمود: دین جدم باقی نمی‌ماند مگر با کشته شدن من. بعد عقلانی این تصمیم در اینجا مستتر است و در ادامه می‌گوید: پس ای شمشیرها من را در بر گیرید. اینجا اوج عشق و دلدادگی است. پذیرش مرگی چنان مهیب با رویی چنان گشاده.

وی افزود: اما آنان که کربلا را امتداد دادند و حسین را تا این زمان و تا همه عصر بردند و خواهند برد، در وهله نخست حضرت زینب کبری(س) بود و همه زینب‌هایی که شما پیرغلامان در چنین رسالتی هستید. آنانکه رفتند کار حسینی کردند. آنان که ماندند باید کاری حسینی کنند و شما در امتداد آن بانوی بزرگوار کاری حسینی می‌کنید. انتشار عاشورا یک رسالت بزرگ است. کار جهان با عاشورا گشاده خواهد شد. گره بشریت با اربعین گشوده خواهد شد. ظهور حجت خدا به جهانی شدن عاشوا وابسته است و اربعین خود یک رسانه عاشورایی است و همه شما خود یک رسانه عاشورایی هستید. برای جهانی شدن عاشورا، برای منتشر شدن این حقیقت لگد کوب شده در این سرزمین باید به کار و به راه بود و خوشا به سعادت شما عزیزان که در این راه هستید.

**اربعین یک مسیر برای رسیدن به خداست**

سیدعلیرضا فاطمیان‌پور سرپرست سازمان فرهنگی هنری گفت: متکلمین تعریفی از معجزه دارند که می‌گویند: معجزه یک امر خارق‌العاده است که به اذن خدا، توسط نبی خدا و در جهت برهان نبوت اعمال و اجرا می‌شود.

وی افزود: اربعین معجزه است. بزرگ‌ترین معجزه پیغمبر خدا نیست ولی حقیقت معجزه گونه‌ای است که در این عصر برای همه افکاری که عاقلانه می‌اندیشند، یک پرچم و یک مسیر برای رسیدن به خداست. اربعین تجلی محبت به سیدالشهدا و یک پدیده فرا بشری است.

فاطمیان‌پور در ادامه گفت: در مسیر رسول خداست که خدمت به مومنین، محیط زیست، حیوانات، حقوق مردم تعریف دارد، تبلیغ می‌شود و جایگاه والایی دارد و ما مفتخریم که در سازمان فرهنگی هنری هر ساله با برنامه‌های مختلف در این مسیر قدمی کوچک بر می‌داریم. اعتقاد داریم برنامه «پرده عشاق» قدم کوچکی در راه امام حسین(ع) است. تشکر می‌کنم از مجموعه صدا وسیما خصوصا از شبکه دو سیما که زحمت کشیدند و این برنامه را به یک برنامه پر مخاطب برای مردم سراسر ایران عزیز در جهت ترویج برافراشتن پرچم سید الشهدا تبدیل کردند.

درپایان مراسم از سردار مصطفی باغبانی جانباز هشت سال دفاع مقدس و خادم‌الحسین (ع)، یونس حبیبی جانباز هشت سال دفاع مقدس مدیحه‌سرا و خادم الحسین (ع)، معصومه حمامی اصل مادر شهید رضا پناهی و خادم الزهرا (س)،صفر علی شیرزاد مدیحه‌سرا و خادم الحسین (ع)، محمود طاهری مدیحه‌سرا و خادم الحسین (ع)، مهداد عباس زادگان مدیحه‌سرا و خادم الحسین (ع)، فخرالسادات میری لواسانی خادم الزهرا(س)، مادر شهیدان سیدعلیرضا و سیدحسین صادقی، حاج علی‌اکبر معزغلامی پدر شهید مدافع حرم حسین معزغلامی و خادم‌الحسین (ع)، سید مصطفی مصطفوی مدیحه‌سرا و خادم الحسین (ع) ،مرتضی نمکی مدیحه‌سرا و تعزیه‌خوان و همچنین محمدرضا جعفری جلوه مدیر شبکه‌دوم سیما و خانواده مرحوم محسن کلاهدوز مدیر پخش این شبکه تجلیل شد.

---

# مبارزه ادبی با مفاسد اقتصادی و آقازادگی با الهام از شاهکار شکسپیر

صادق وفایی

این روزها که بازار دادگاه‌های رسیدگی به مفاسد اقتصادی گرم است، بد نیست نگاهی به یکی از آثار داستانی ادبیات کشور داشته باشیم که مرتبط با این‌موضوع است و تاحدودی با هدف پرداخت به این‌گونه معضلات سیاسی اجتماعی نوشته شده است. رمان «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد ابتدای سال ۹۶ منتشر شد و در حال حاضر با نسخه‌های چاپ سومش در بازار نشر حضور دارد.

حسینی‌زاد به جز ترجمه‌هایی که از زبان آلمانی دارد، نگارش کتاب‌های داستانی «این برف کی آمده؟»، «آسمان کیپ ابر» و «سرش را گذاشت روی فلز سرد» را هم در کارنامه دارد و «بیست زخم کاری» متاخرترین اثر داستانی او در حوزه تالیف است.

* ۱- مقدمه

این‌رمان با زمینه و تم شکسپیروارش درباره مهره‌های ثروت و قدرت در کشور نوشته شده و موضع نویسنده در نگارش آن، کاملا صریح و بی‌تعارف است. مولف این‌مطلب نیز در گپ و گفت‌هایی که پیش‌تر درباره آثار دیگر با حسینی‌زاد داشته، با این گفته وی روبرو شده که رمان را با صراحت و در حجم کمی نوشته تا از زیاده‌گویی و اطناب جلوگیری کرده باشد. به‌عبارت دیگر، حسینی‌زاد در کتاب «بیست زخم کاری» حرف خود را در حجم کوتاه ۱۲۷ صفحه، به‌صورت مختصر و مفید بیان کرده است.

طرح کلی قصه درباره ساختار قدرت و ثروت در یک سازمان تجاری خصوصی است که توسط یک پیرمرد به‌نام ریزآبادی اداره می‌شود؛ کاراکتری که شاید باید او را معادل دُن کورلئونه دانست. شخصیت اصلی داستان یکی از مدیران و زیردستان ریزآبادی به‌نام مالکی است که با کشتن پیرمرد و از سر راه برداشتن دیگر مدیران و نزدیکان او، دایره قدرت و نفوذ خود را بیشتر می‌کند. داستان «بیست زخم کاری» به تعبیر حسینی‌زاد، قصه امروز برخی سازمان‌های تجاری قدرتمند در کشور است که خیلی چیزها را در اختیار خود دارند. اما نکته مهم و بارز درباره این‌کتاب، ارجاع بینامتنی بزرگ‌اش به نمایشنامه «مکبث» اثر ویلیام شکسپیر است. حسینی‌زاد که از علاقه‌مندان شکسپیر و به‌ویژه «مکبث» است، به‌نوعی با این‌رمان نسبت به اثر مذکور، ادای دین کرده است. منتهی این ادای دین از مسیر بیان حرف‌ها و هدف اصلی‌اش از نوشتن کتاب انجام شده است.

حرف اصلی و مورد نظر حسینی‌زاد در کتاب مورد اشاره که با استفاده از ارجاعات مختلف به داستان مکبث بیان شده، این است که جنایت، و مکافات‌هایش را حد و مرزی نیست و وقتی که شروع کردید، باید تا انتهای خط را مثل مکبث پیش بروید. در همین‌زمینه جملات و دیالوگ‌های زیادی از نمایشنامه مکبث هستند که هنگام مطالعه کتاب، به یادشان می‌افتیم اما حسینی‌زاد، خود پیش از شروع متن داستان، این‌جمله از نمایشنامه مذکور را به نقل از شخصیت مکبث، آورده است: «هنوز این‌جا بوی خون می‌دهد. همه عطرهای عربستان هم به این دست کوچک بوی دیگری نخواهند داد...» که معنای ساده‌اش این است که دستی که به خون آلوده شد، دیگر هرگز پاک نمی‌شود.

داستان «بیست زخم کاری» با لحن بعضا گزنده و صریحی که دارد، قصه آدم‌هایی است که شاید نمونه‌های زیادِ متکثری از آن‌ها را در راس سازمان‌ها یا مناصب تاثیرگذار مدیریتی کشور دیده باشیم. آدم‌هایی که خود و خانواده‌هایشان، ظاهری موجه دارند اما تعطیلات و خوش‌گذرانی‌هایشان مربوط به دبی، میلان یا کشورهای اروپایی و آمریکاست. انسان‌هایی که همچنین حامل چنین تناقضی هستند که آنتن تلویزیون خانه‌هایشان شبکه‌های ماهواره‌ای را می‌گیرد اما چادرشان لای در ماشین چندمیلیاردی گیر می‌کند: «از لای درِ چند اتومبیل، گوشه چادرهایی بیرون زده بود.» (صفحه ۳۴)

عنصر مکان، یکی از عناصر مهم داستان «بیست زخم کاری» است که سعی شده در جهت هویت‌بخشی مستقل به اثر، از آن بهره‌برداری شود. به این‌ترتیب داستان این‌رمان در تهران، کلاردشت، کیش، اوکراین و جاده‌های شمالی کشور جریان دارد و هنگام حضور شخصیت اصلی یعنی مالکی در تهران، هم چشم‌اندازهای شمیران و دماوند، مرتب پیش روی مخاطب گذاشته می‌شوند؛ مثلا: «دماوند، انتهای سمت راست پنجره عریض و طویل، زیر برف سنگینی بود. سمت چپ دماوند، کوه‌های شمیران با نوک‌های برفی و پایین‌تر، برج‌ها و اتوبان‌های زیر غبار. همه زیر آسمانی که آبی‌اش سرد بود و آفتابش سرد.» نویسنده درباره مکان رخ دادن اتفاقات، تعلیقی به کار نگرفته اما تا صفحه چهارم کتاب که مالکی وارد جاده کلاردشت به مرزن‌آباد می‌شود، صحبتی از مکان نشده و تازه از صفحه چهارم به بعد است که مخاطب با آن روبرو می‌شود.

نویسنده کتاب، همان‌طور که با آوردن جملاتی در داستان، دنبال تزریق روح شک و تردید است، در فرازهای دیگر ابایی از لو دادن عامل جنایت ندارد. علت این‌امر را می‌توان قصد و هدف حسینی‌زاد برای زدن حرفش در زمان و حجم کوتاه دانست. یعنی چون در پی بیان حرف مورد نظر با این‌ویژگی‌ها بوده _زمان و حجم کوتاه _ طفره نرفته و تعلیق چندانی درمورد قاتل و عامل جنایت ایجاد نکرده است. در طول داستان، دو نکته نسبتا مبهم هم وجود دارد که نویسنده پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن‌ها ارائه نکرده است. نکته اول، گره‌ای است در صفحه ۱۱۰ به داستان اضافه می‌شود و درباره شخصیت «ایشون» یا در واقع یک رئیس بزرگ است که بنا نیست چیز بیشتری از او گفته شود. نکته دوم هم در صفحه ۱۱۸ است که اشاره‌ای کوتاه و گذرا به احتمال انحراف اخلاقی شخصیت‌های مظفری و اخوان و همجنس‌خواه بودن آن‌هاست که توضیح و تشریحی درباره‌اش وجود ندارد و شاید باید علت آن را در عامل ممیزی جستجو کنیم.

در ادامه این‌مطلب، رمان «بیست زخم کاری» را در دو ساحت ساختار و محتوا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

* ۲- فرم و ساختار

ویژگی‌های ساختاری رمان «بیست زخم کاری» را می‌توان در «لحن و زبان»، «اشارات و کنایه‌ها»، «فضاسازی» و «ساختن لحظه» خلاصه کرد.

۲-۱ لحن و زبان

حسینی‌زاد در نوشتن رمان «بیست زخم کاری» از چند زبان استفاده کرده است؛ یک زبان شاعرانه و شکسپیری که استعاره‌های مختلفی در آن به کار رفته و بیشتر به کار توصیف مالیخولیا و توهمات شخصیت‌ها آمده است. دیگرْ زبانی معمولی و نزدیک به معیار که البته در فرازهایی، چندان هم صریح و شفاف نیست و زبان سوم هم زبان فیلمنامه‌ای است که در فرازهای کمی از کتاب، برای تشریح موقعیت و میزانسن قرارگیری شخصیت‌ها در صحنه رویداد تعبیه شده است. حسینی‌زاد در نوع روایت معمولی و غیرشاعرانه هم از دو لحن استفاده کرده که در یکی نام شخصیت‌های مالکی و همسرش سمیرا را ذکر می‌کند و در نوع دیگر، از آن‌ها در حکم دو شخصیت غریبه و دور، با عبارات «مرد» و «زن» یاد می‌کند. درباره لحن و زبان فیلمنامه‌ای رمان هم می‌توان از صفحه ۲۳، نمونه بارزی آورد که در آن، موقعیت شخصیت‌های حاضر در یک اتاق، به‌صورت سطور کوتاه، با رعایت اختصار و کوتاهی جملات زیرِ هم آورده شده‌اند: «ناصر روی صندلی کنار میز پدر. میرلوحی و مظفری نزدیک در. اخوان زیر صفحه تلویزیون. نجفی روی کاناپه کنار پنجره. مالکی زیر نقشه ایستاده بود.»

۲-۲ اشارات و کنایه‌ها

حسینی‌زاد در روایت قصه‌اش، اشاره و کنایه‌هایی دارد که جهت‌گیری انتقاد و تندی‌اش را نسبت به جریان نوکیسه و پولداران قدرتمند، به خوبی نشان می‌دهند. یکی از نمونه‌های این‌رویکرد را می‌توان در صفحات ابتدایی داستان، جایی که ریزآبادی (پیرمرد پولدار) هنوز کشته نشده و امپراتوری‌اش تقسیم نشده مشاهده کرد که نشان‌دهنده قلمرو تاثیرگذاری این‌شخصیت است: «ریزآبادی انگشتش را روی تایلند گذاشت، کشید تا روی کیش، که در باز شد.» یا در جایی دیگر از صفحات ابتدایی کتاب که شخصیت‌ها در حال معرفی‌شدن به مخاطب هستند، شخصیت نجفی یکی از مدیران زیردست ریزآبادی، جمله‌ای دارد که نشان‌دهنده نظر حسینی‌زاد درباره نوکیسه‌ها و همان پولداران قدرتمند است: «نجفی گفت فکر کن اگه حاج‌عمو زیر پروبال‌مون رو نگرفته بود حالا باید چه می‌کردیم! باز تو درس خوندی، من که خدا عالمه الان کجا بودم! و بلند خندید.»

ریاکاری و استفاده از مظاهر دین‌داریِ متظاهرانه از دیگر مولفه‌هایی است که می‌توان در اشاره‌ها و کنایه‌های حسینی‌زاد در «بیست زخم کاری» مشاهده کرد؛ مثلا: «بیا پسرعمو انگار روزه‌ای. نان خامه‌ای را داد دست مالکی و رویش را بوسید. بوی گلاب بینی مالکی را پر کرد و مالکی عُقش را فرو داد.» همین مساله را می‌توان در فرازهایی دیگری از رمان هم مشاهده کرد. به‌عنوان مثال: «مظفری گفت حوصله می‌خواد. آدم بکوبه بیاد این‌جا، یه معامله بکنه هُلو، توی یه مملکت باشه پر از هُلو، اون‌وقت بره خونه حاج فرشته قورمه‌سبزی بخوره و به دروغ‌هاش گوش بده که دهه فجر این کار رو کردم، عاشورا اون کارو ...» در فرازی هم مالکی برای دادن سفارش یک قتل به مردی در باشگاه سوارکاری مراجعه می‌کند، شخصیتی که سفارش قتل را می‌گیرد و بناست انجامش دهد، چنین ظاهر و رفتاری دارد: «باز ریشش را با پشت دست خاراند و دستش را محکم پس کشید تا دو سه موی گیرکرده زیر نگین انگشترهای عقیق و فیروزه‌اش رها شوند. مالکی مورمورش شد.»

۲-۳ فضاسازی

نویسنده کتاب «بیست زخم کاری» از مولفه دیگری در ساخت زبان رمانش بهره برده و آن فضاسازی به مدد جملات وهم‌انگیز و القای حال و هوای گوتیک است. این‌فضاسازی را می‌توان لابه‌لای جملات روایت‌کننده و پیش‌ران قصه مشاهده کرد. مثلا در جایی که ماشین مالکی در جاده شمال به تهران در حال حرکت است و بناست به رستوران و دیدار با کولی‌های پیشگو برسد، به این‌جمله برمی‌خوریم: «حالا دیوار صخره‌ای سمت چپ‌شان هم کوتاه‌تر شد و دره سمت راست‌شان عمیق‌تر و پیچ‌های تند سربالای پشت سر هم شروع شد.» و یا در صفحه دیگری که بناست حال و هوای تیره و تار کلیت داستان برای مخاطب ترسیم شود، نویسنده از این جمله بهره برده است: «گرد و غباری به هوا بلند شد، انگار آخرالزمان.»

حسینی‌زاد در برخی‌فرازها بنا دارد خبر قتل یا اتفاق بدی را که در پیش است، از قبل اعلام کند. به‌همین‌دلیل با فضاسازی، مخاطب را برای رویارویی آماده می‌کند. مواجهه مالکی با رستورانِ جاده‌ای و بین راهی که در آن کولی‌های پیشگو را ملاقات می‌کند، یکیِ از این رویارویی‌هاست: «ساختمان رستوران را از دور دید. قلبش ریخت.» و یا در صفحه‌ای دیگر «مالکی نگاهش افتاد به ساختمان تک‌افتاده رستوران و سوزشی در شقیقه حس کرد.» همین جاده شمال به تهران که شخصیت مالکی چندین بار در آن تردد کرده و رفت و آمد دارد، در فرازی از داستان، این‌چنین توصیف می‌شود که توصیفش، در راستای همان رویکرد نویسنده برای فضاسازی قرار می‌گیرد: «جاده به دره‌ای سیاه می‌مانست که بین غول‌های سیاه‌تر مخروطی شکل دو سوی جاده دهان باز کرده بود و همه را در خود می‌کشید.» به‌این‌ترتیب ظاهرا قرار است مالکی هم به درون این دره سیاه کشیده شود.

۲-۴ ساختن لحظه

نویسنده علاوه بر اشارات و فضاسازی‌ها، لحظاتی را هم در داستانش خلق کرده که بیانگر جریان‌داشتن زندگی عادی و لحظات معمولی روزمره باشند. چنین لحظاتی را می‌توان در بخش‌هایی که راوی از لحن معمولی و عاری از شاعرانگی تراژدی استفاده می‌کند، مشاهده کرد. نمونه‌های بارز این لحظات به این‌ترتیب‌اند: «دختر مشتی آب به سوی پسر پاشید و قطره‌ها در هوا رنگین‌کمان شدند.» (صفحه ۸)، «زنبوری بالای سرشان می‌پرید.» (صفحه ۱۸)، «صدها پنجره ساختمان‌های ایستاده بر بلندی‌های شمیران، نور خورشید را هزار تکه می‌کردند و برمی‌گرداندند.» (صفحه ۲۶)، «آب استخر موج برداشت و بوته‌های گل و گیاه و شاخه‌های درخت‌ها در هم پیچیدند.» (صفحه ۴۰) و «هیچ‌کس نگاهی به آسمان نینداخت که در چند کیلومتری تهران این‌همه ستاره داشت.» (صفحه ۸۴).

یکی از طرحواره‌های مکبث

* ۳- مکبث و ارجاع

نویسنده در کتاب «بیست زخم کاری» به جنگ مفاهیم پدرخواندگی و آقازادگی در روزگار معاصر کشور رفته است. اگر یک‌لایه پایین‌تر برویم و عمقی‌تر به این‌کتاب نگاه کنیم، مفهوم جنایت و مکافات هم خود را نشان می‌دهد که البته می‌توان آن را یک‌لایه پایین‌تر هم، یعنی در هسته مرکزی اثر و روح آن که تراژدی مکبث باشد مشاهده کرد چون شخصیت مکبث هم با واقعیت جنایت و مکافات روبرو بود و دستی که به خون آلوده کرد، هرگز پاک نشد و ناچار شد جنایات جدیدی مرتکب شود. مکافاتی که شخصیت مالکی به‌خاطر جنایاتش با آن روبروست، در طول اثر و حتی فرازهایی که اتفاق بیرونی مهمی رخ نمی‌دهد، به واسطه حالت تهوع و چیزی که در معده‌اش می‌جوشد، همراه اوست. این‌حالت تهوع چندبار در طول داستان تکرار و گوشزد می‌شود.

حسینی‌زاد در ساخت محتوا و کالبد اثرش، وام‌های زیادی از «مکبث» گرفته و علاقه‌مندی‌اش به این نمایشنامه شکسپیر کاملا مشهود است. این بروز و ظهور، در نمونه‌هایی کاملا مستقیم و مشابه و در نمونه‌هایی هم الهام‌گرفته و تطبیق‌داده شده به سلیقه این‌نویسنده است. به‌عنوان مثال پیرزن کولی در خیابان یا کولی‌هایی که در رستوران سر راه، مقابل مالکی ظاهر می‌شوند، آینه‌دار مستقیم خواهران جادوگر و پیشگو در «مکبث» هستند که او را از آینده باخبر کردند. در رمان «بیست زخم کاری» هم همین اتفاق می‌افتد. پیرزن کولی صفحه ۲۱ یا زن کولی صفحه ۵۲ که کنار ماشین مالکی می‌آید، همان وظیفه جادوگران پیشگوی تراژدی شکسپیر را دارند. اما حسینی‌زاد افزوده‌ای هم در این ارجاع دارد و آن ماری خیالی است که خزیده و وارد قصه می‌شود. این مار هم در حضور زن کولی صفحه ۵۲ و هم جایی که کریم (آدم‌کشی که در استخدام مالکی است) حضور دارد، پیدا می‌شود. «خواست به زن نگاه کند که نور تند آفتاب و برق پولک‌ها چشمش را زد و قبل از آن‌که چشم‌ها را ببندد دست زن را دید که انگار ماری از پنجره خزید داخل و حلقه زد دور مچ مالکی و چیزی گذاشت کف دستش. مالکی پلک‌هارا به هم فشرد.» (صفحه ۵۲) و یا جایی که کریم در ماشین کنار مالکی نشسته است، می‌خوانیم: «دور مچ دست راست مالکی ماری بود سیاه و لزج که پیچیده بود و فشار می‌داد و فشار می‌داد. می‌پچیید و می‌پیچید.» (صفحه ۸۷) در ضمن، خیالی بودن اشباح یا کولی‌هایی که مالکی دیده در صفحه ۱۲۵ کتاب از زبان صاحب رستوران بیان می‌شود. یعنی کولی‌هایی که مالکی در مقام پیشگو دیده، اشباحی بوده‌اند که فقط او آن‌ها را دیده و وجود مادی نداشته‌اند. بنابراین مالکی هم مانند مکبث که در مرکز تراژدی قرار دارد، چاره‌ای جز ارتکاب جنایت و پیش‌رفتن در این‌مسیر ندارد. در بخشی از داستان و صفحه ۶۹ کتاب، هم پس از مرگ (کشته‌شدن) ریزآبادی یا دانکنِ داستان، درباره شایستگی مالکی (مکبث) برای جانشینی او بحث می‌شود.

در این‌که شخصیت مالکی، مابه‌ازا و آینه‌دار مکبث است، شک و تردیدی نیست اما این‌که سمیرا همسر مالکی، لیدی مکبث باشد، جای بحث دارد چون سمیرا، عذاب وجدان‌ها و مالیخولیای لیدی مکبث را دارد اما آن‌طور که در رمان روایت می‌شود، در ارتکاب جنایت‌ها دستی نداشته و شخصیت بی‌گناه‌تر و منزهی نسبت به لیدی مکبثی که همسرش را به کشتن دانکن ترغیب می‌کند، دارد. یک تفاوت دیگر سمیرا و لیدی مکبث هم در این است که این‌شخصیت از صفحه ۱۲۵ یعنی دو صفحه مانده به پایان کتاب، مفقود شده و راوی داستان، خبری از سرنوشتش نمی‌دهد. در حالی که لیدی مکبث در نهایت و پیش از نبرد پایانی مکبث، می‌میرد. پایان‌بندی «بیست زخم کاری» هم به صراحت پایان‌بندی «مکبث» نیست که در آن مکبث کشته می‌شود. حسینی‌زاد برای زدن همان حرفی که در ابتدا به آن اشاره کردیم، نیازی به پایان صریح و بسته ندارد اما به‌طور ضمنی به ورود چند ماشین غریبه به ویلا و باز شدن چند درِ اتومبیل اشاره می‌کند که احتمالا به معنی آخر کار مالکی و تسویه‌حسابِ دیگرْقدرتمندان با اوست.